

ارتباط عقل و دین

(۴)

* در اسلام تعصبات جاهلانه نیست

* نظری بکتاب مستشرقین

* سخن ما با مترجمین و ...

در اسلام تعصب جاهلانه نیست

در شماره گذشته بیان کردیم . که اسلام در امور دینی و غیر دینی ، مردم را به تفکر و تعقل و تدبیر خوانده و برای اثبات آن ، ترجمه قسمتی از آیات قرآن مجید را ذکر نمودیم .

آنچه ما از منطق روشن قرآن کریم ، بدست میآوریم ، این است : که اسلام از آنجا که دینی است بر اساس حق ، و حق واقعیتی است خارجی ؛ که تغییر پذیر نیست ، و حاشتی ندارد از اینکه در باره آن کنجکاوی و بررسی شود ؛ همانطور که مرد پاک از محاسبه باک ندارد و کسی که غذا و داروی سالم ، به مردم عرضه میکند . از بازرسی هزاران بازرسی بی غرض ، به خود اندیشه ای راه نمیدهد ، بلکه در هر مرتبه ای که مورد بازرسی قرار بگیرد ، و بازرسان اعتراف به درستکاری او کنند ؛ بیشتر مورد اطمینان قرار خواهد گرفت .

از این رو اسلام چراغ عقل را ؛ بدست بشر داده ؛ تا به وسیله آن ، حقیقت و گه شده خود را در هر کجا هست بدست آورد .
 و اگر انسانی در اثر ضعف نیروی عقل خود و مغالطه و سفسطه ، در محیط ظالماتی شبهات و اوهام ، غول بیابانی را به جای شاهد حقیقت در بر گرفت ، پیشوایان دینی ، و مربیان روحانی ، که مأمور کنترل انحرافات بشرند ، پرده های غلط اندازی و عوام فریبی را از جلو چشم او بالا میزنند ، تا مستقیماً (نه بطور تحمیل عقیده) جمال حقیقت را ببیند .

و چون ملاک پیروی عقل ؛ واقع بینی و حقیقت جوئی است ، دلیل و برهان صحیح را هر کس بیان کند ؛ خواه پیرو اسلام باشد یا غیر اسلام ؛ مورد قبول است ، زیرا اسلام با غیر پیروان خود نزاعی ندارد ، مگر بجهت اینکه آنها حقیقت را نپذیرفته اند ، و اگر حاضر شدند به قسمتی از حقایق ایمان آورده ، و برای صحت آن دلیل اقامه نمایند ، اسلام نمیگوید چون به تمام حقایق ایمان نیاورده ای ، دلیل ترا در آن قسمت هم که به آن ایمان داری نمی پذیرم بلکه دلیل صحیح او را پذیرفته و با همین دلیل او را به سایر حقایق اسلام آشنا میکند .

این قرآن کریم است که در چند جای آن این جمله از مشرکین و کفار با مختصر تفاوتی نقل شده :

و اگر بررسی از این کفار و مشرکین که آسمانها و زمین را کی آفریده ؟ میگویند: خدا (ای پیغمبر) بگو الحمد لله (که تا این اندازه بامادر عقیده موافق هستی) (سوره لقمان ۲۳) .

خداوند که خود آفریننده عقول است ، این حقیقت را که عقل مشرکین و بت پرستان به آن رسیده که (آفریدگار آسمانها و زمین خداست) از آنان قبول نه کرده و با همان میخواید آنان را از بت پرستی نجات داده و بمرحله دوم از حقیقت برساند ،

بنابراین اگر در همین مسئله خداشناسی ، يك نفر مشرک و یا مسیحی و یا مجوسی و یا یهودی ، دلیل صحیح اقامه کند ، در اسلام دلیلش پذیرفته است .
 همچنین اگر یکی از آنها به عظمت پیغمبر اکرم (ص) و به اهمیت احکام

و دستوراتش اعتراف نموده و بر آن استدلال کند ولی در پیغمبری اوشک کند ، ما آن قسمت از اعتراف او را که حق است پذیرفته ، و بر اساس آن پیغمبری آنحضرت را اثبات می نمایم .

و اگر کسی بگوید : ما از آنها سخن حق را هم نمی پذیریم ، تعصب و حمیت جاهلانه نشان داده که با روح اسلام سازگار نبوده ، و از منطق تحقیق آزاد اسلام بسیار دور است .

نظری بکتاب مستشرقین

آری در اسلام سخن حق و منطقی از هر کس پذیرفته میشود ، ولی از این حقیقت نباید سوء استفاده شود ، تا آنجا که عقل و فکر خود را بی کار گذاشته و یکسره گوش به سخنان آنان فراداده ، و چشم بنوشته های آنها دوخته ، و از هزاران کتب مفید خود چشم پوشی نموده ، و چنین گمان کنیم که : همانطور که در علوم مادی فقیریم ، در علوم معنوی هم فقیر بوده ، و باید در مسائل دین . و فلسفه و اخلاق هم دست گدائی بسوی غرب دراز کرده ، و گفتار آنان را مانند وحی ، صد در صد معتقن و مطابق با واقع پنداشته و بپذیریم .

و یا آنچنان غرب زده شده ، که کتب و مقالات و گفتار دانشمندان خود را اگر خالی از نقل کلمات و عبارات آنان باشد بی اهمیت تلقی کنیم .

این غرب زدگی و عوامل دیگری است که سبب شده ؛ هر روز کتابی در موضوعات دینی تألیف یک مستشرق ترجمه و با بهترین چاپ و اسلوب زیبا منتشر شده ؛ و در وینترین کتابفروشیها نمایان شود ،

با اینکه در این سری کتابها ، اشتباهات بزرگ و خطرناکی بچشم میخورد ؛ که خوانندگان را نسبت به نویسندگان آنها بشک و تردید میانندازد . زیرا بعضی از مطالب آنها به تعصب و غرض ورزی بیشتر شباهت دارد ؛ تا شباهت . خصوصاً با این ملاحظه که : بعضی از آنها یا کشیش رسمی بوده ، و یا کشیش مخفی در سیمای مستشرق ، و یا دست پرورده کشیش ها ؛ یکبار در دانشگاههای علوم شرقی ، سمت استادی دارند . و اگر به آنها حسن ظن داشته باشیم ، و اشتباهات آنان را ، به تعصب و غرض ورزی حمل نکنیم ، ناگزیر باید این اشتباهات را باین دو علت و یابکی از آنها نسبت دهیم ؛ ۱ - نداشتن اطلاع کافی در قسمتهای مختلف مسائل اسلامی . چنانکه گاهی همین معنی در لابلای نوشته های

آنان بخوبی مشهود است ، بلکه از بعضی از نوشته‌های آنها پیداست . که آشنائی کامل با ادبیات عربی و فارسی ، و تشبیهات و استعارات و کنایاتی ، که در هر زبان متداول است ، ندارند یکی از مستشرقین در کتابیکه بنام (سه سال در ایران) بزبان فرانسه منتشر کرده و بفارسی ترجمه شده است ، آنجا که کیفیت احوالپرسی ایرانیان را شرح میدهد میگوید : (پس از آنکه شما صاحب‌خانه و جمیع حضار نشستید ، شما بطرف صاحب‌خانه رومیکنید و میگوئید : آیا بینی شما فر به است ؟ صاحب‌خانه میگوید : در سایه توجهات باری تعالی بینی من فر به است بینی شما چطور؟) (۱) شما ملاحظه میفرمائید که این مستشرق از این جمله متداول : (دماغ شما چاق است؟) که کنایه از این است که حال شما چطور است ؟ معنی ظاهری را گرفته با اینحال چه توقع میتوان داشت که در حل مطالب علمی و دینی ما دچار اشتباه نشود ؟ و ما در شماره سوم این نشریه ، محدودیتهای راه تحقیق را بیان کردیم و گفتیم که اطلاع کافی از مسائل مورد بحث ، از شرائط اولیه راه تحقیق است و بدون این شرط ، نوشتجات ازر که باشد ، ارزش تحقیقی ندارد .

۲- نقل مطالب از مدارك اهل سنت ، زیرا آن مستشرقین غالباً در محیطی زندگی میکنند که از اسلام نمی شناسند مگر مطالبی که از کتب اهل سنت در دسترس آنها است ، و این مطلب بر ما مجهول است ، که آیا اساساً کتب شیعه در دسترس آنها نیست ؟ و یا با وجود کتب شیعه در کتابخانه‌های بزرگ آنها مطلب دیگری در کار است ، که بیشتر منقولات آنها از کتب اهل سنت می باشد .

آری در سالهای اخیر ، یکی از مستشرقین بنام پروفیسور کربن (۲) فرانسوی در اثر مصاحبه با استاد بزرگوار علامه طباطبائی قسمتی از معارف و عقائد شیعه را منتشر ساخته است .

سخن ما بامترجه‌مین و ناشرین و خوانندگان

به نویسندگان و مترجمین ارجمند ، باید یاد آور شویم که اروپائیان اگر در اختراعات و صنایع بر ماسبقت گرفته‌اند ، در مباحث دینی و تحقیقات مذهبی ، از ما جلونیستند .

بلکه در اینگونه مباحث به پایه دانشمندان ماهم نمیرسند، و شاید اگر بگوئیم دانشمندان اروپا، از فهم بسیاری از کتب دانشمندان اسلامی عاجزند تعجب کنید، ولی حقیقت همین است.

بنابراین با وجود آثار نفیس دانشمندان شیعه، در قسمتهای مختلف علوم دینی، که زینت بخش کتابخانه های جهان است ترجمه و نشر نوشته های مستشرقین، ضرورت نداشته، بلکه آنچه خود داریم از بیگانه تمنا کردن است.

شما به کتاب نفیس الذریعه تألیف علامه متبع حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، مراجعه کنید تا به تالیقات و تصنیفات علمای شیعه، آشنا شده، و یک کتابی را که تازه به آن بر میخورید و در کتابخانه خود، و کتابفروشیها نظیر آنرا ندیده اید بی نظیر و ابتکاری نپندارید و آن را بعنوان یک کتاب تألیف بی نظیر معرفی نفرمائید. کتاب الذریعه، فهرست تالیقات و تصنیفات دانشمندان شیعه است که بر ترتیب حروف الفبا نوشته شده؛ و در چهارده جلد از آن فقط کتابهایی نام برده شده که اول نام آنها از حرف الف - تا شین است و با این ترتیب فهرست تمام کتب شیعه، شاید به سی جلد، برسد شما ملتی که سی جلد کتاب بقطع و زیری فهرست تالیقات دانشمندان آن می باشد بهتر این است که همت بگمارید و این آثار را بزبان پارسی سلیس و روان، با اسلوبی که مورد پسند جوانان باشد؛ و بزبانهای دیگر زنده دنیا در جهان منتشر ساخته و مفاخر خود را بدنیای معرفی نموده، و در داخله و خارجه منطق عالی شیعه را درست معرفی نمائید.

و اگر خواستید از راه اعتراف اجانب به عظمت اسلام، و پیشوایان اسلام آنها را بدین علاقمند نمائید، و از اینر و ضرورت ایجاب کرد؛ که کتابی را ترجمه نمائید، و وظیفه دینی و حقیقت طلبی؛ ایجاب میکند که موارد اشتباه را باورقی بزیند، تا برای خوانندگان که نیروی تشخیص آنها ضعیف است، ایجاد اشکال ننماید.

ناشرین گرامی هم که کار آنها نشر علم و کمال، و دانش و فضیلت است، باید به مسئولیت خود پی برده، و بدانند که شغل آنان فقط جنبه تجارتی ندارد، که در مقابل هر تقاضائی جنسی عرضه کنند بلکه باید متوجه باشند، که این تقاضائی که، در جوانان ما نسبت به کتب غریبهها، پیدا شده طبیعی نبوده، و مانند اشتباهی

کاذب يك بیماری است، که باید بتدریج با نشریات سودمند ، درمان شود و تا کاملاً درمان نشده نباید از آن سوءاستفاده کرد .

خوانندگان عزیز نیز باید متوجه باشند که در هر رشته ای از علوم ، متخصصینی وجود دارد ، که حتماً باید از علوم آنها در رشته تخصصی خودشان استفاده کرد . در علمیکه اروپائیان گوی سبقت را برده و در آنها تخصص داشته، و در آن زمینه نوشتجاتی دارند ، باید از کتب و مقالات آنان، استفاده کرد ، مثلاً نشریاتی که از آنها شامل مطالب طب و بهداشت ، فیزیک ، شیمی ، طبیعی ، و بالاخره اختراعات و اکتشافات میباشد ، باید جداً مورد استفاده قرار بگیرد، ولی مسائل دینی ، و تاریخ پشوايان اسلامی ؛ و فلسفه و اخلاق را نباید در نوشتجات آنها جستجو کنیم .

کتابخانه مدرسه نبویه قم

و نیز باید این موضوع را هم متذکر شویم ، که ما نمیگوئیم هر کتابی را که هموطن و هم مذهب ما نوشت ، صد درصد مطابق با حقیقت است ، تا مورد نقض ریز بینان واقع شویم ، بلکه در بعضی از کتب نویسندگان خودمان نیز ممکن است نقاط ضعفی یافت شود ، ولی در کتب بیگانگان بعللی ، که شرحش گذشت ، نقاط ضعف بیشتر است . شاید یکی از خوانندگان کنجکاو ، بما بگوید : با آزادی فکر، و حق نظر و بررسی؛ که اسلام به ما داده که هر سخنی را بشنویم و نیکوترش را انتخاب کنیم، چه باقی دارد که ما اینگونه کتب را بخوانیم و درباره آن قضاوت کرده ، حقایقش را بگیریم؛ و با باطنش را برای مؤلفش بگذاریم؟ .

در پاسخ آن باید عرض کنیم : درست است که اسلام میخواهد پروانش ، مطالب را فهمیده و سنجیده بپذیرند و نه فقط حق نظر دارند بلکه بآن مأمور شده اند ، ولی این نکته را هم که در مقاله شماره ۳ گفتیم که : در راه تحقیق محدودیتهائی موجود است ، نباید فراموش کرد و با وجود این محدودیتها هر کس قدرت تشخیص حق از باطل ، و درست از نادرست را ندارد ، شاهد واضحش این است ، که بعضی افراد ، پاره ای از همین کتب را میخوانند ، و بنظرشان اشکالی نمیآید ، در حالیکه در نظر اهل فن اشکالاتی در آن مشهود است . در تابستان گذشته ، یکی از دوستان کتاب یکی از مستشرقین را برای مطالعه بمن داد ، ، و بسیار از آن توصیف و

تمجید کرد ، ولی از شما چه پنهان بنده که فقط دو بست صفحه آن را از نظر گذراندم در حدود چهار مورد آنرا بنظر قاصر خود ، اشتباه تشخیص دادم ، و اگر بهمین ترتیب تا آخر کتاب اشکالات را یادداشت میکردم ؛ بصداشکال میرسید ، حالا شما ملاحظه فرمائید ، در کتابی که صد اشکال وجود دارد ، و بنظر خواننده ای که تا حدودی هم با اطلاع است ؛ کتاب خوب و مفیدی جلوه کند ، چطور میتوان مطالعه آنرا برای عموم طبقات ، بعنوان اینکه اسلام آزادی فکر و نظر داده تجویز کرد ؛ بنا بر این باید اینگونه نشریات تقلبی کنترل شده ، و خواندن آنها فقط با شخصی اختصاص داده شود که قدرت تشخیص و صلاحیت علمی و فنی داشته ، و میتوانند مطالب درست و نادرست را تمیز دهند (برای توضیح بیشتر ؛ به مقاله ما در شماره سوم مراجعه فرمائید) .

توجه انتظار!

با انتشار این شماره نشریه کتابخانه مسجد اعظم ، قسمت عمده تعهد ما در برابر مشترکین محترم انجام یافته؛ و تقریباً یکماه دیگر از سال اول این نشریه بیشتر باقی نیست که با انتشار شماره ششم پایان می یابد . **کتابخانه مدرسه فیضیه قم**

بگواهی مشاهده و نامه های بسیاری که بما رسیده ؛ این نشریه پیوسته رو ب تکامل بوده و هر شماره آن از شماره قبل جالبتر شده است .

انتظار داریم که نمایندگان محترم و مشترکین ارجمند که حساب خود را تصفیه نموده اند هر چه زود تر به تعهد خود وفا نموده و بدهی خود را پرداخته و ما را در راه ادامه این خدمت یاری نمایند .